



پیش‌مقدمه شدند برای گرفتن پمپ‌های پالایشگاه «ستاره خلیج فارس».

پالایشگاه ستاره خلیج فارس

پالایشگاه «ستاره خلیج فارس»، افتخار صنعت «ایران» است. آنجا باورها شکل گرفتند و به وقوع پیوستند. باید داستان کسی که این ایده را آورده بود، بوسید. دیدگاهی را به صنعت ایران داد که با افتخار، امروز می‌توانیم پروژه‌های بزرگ‌تر در حوزه نفت و انرژی را در داخل طراحی و بهره‌برداری کنیم. آن زمان مدیرعامل پالایشگاه ستاره مهندس آذرنگین بود. یکی از مدیرانی که در بومی‌سازی پالایشگاه ستاره خلیج فارس نقش بسزایی داشت. چنین فردی در آن زمان بسیار کم پیدا می‌شد. مدیریت بود ریسک‌پذیر و در عین حال باسواد. چنین نبود که همین‌طوری بگوید باید داخلی‌سازی شود. از روی علم و شناختی که داشت می‌گفت این می‌تواند در ایران، تولید شود. به همت و تلاش مدیرانی مثل مهندس آذرنگین بود که پای شرکت‌های ایرانی به حوزه نفت باز شد.

فکر می‌کنم سال ۱۳۸۹ یا ۱۳۸۸ بود که مقدمات قرارداد با پالایشگاه ستاره مطرح شد. از آن زمان تا همین ۳ سال قبل، ما به ستاره خلیج فارس پمپ می‌دادیم. همین الان هم به آنها قطعات یدکی می‌دهیم. تعداد ۴۹۶ پمپ پالایشگاه ستاره خلیج فارس را ما داده‌ایم. این پمپ‌ها از خانواده‌های متفاوتی بودند. برای مثال پمپ‌های عمودی بودند که دبی (ورودی) آنها در حدود ۱۸۵۰۰ متر مکعب در ساعت

بود، پمپ‌های آب دریا که برای خنک‌کاری پالایشگاه استفاده می‌شد، پمپ‌های آتش‌نشانی و چند نوع پمپ دیگر.

در این پروژه با مدیران و کارشناسان پالایشگاه جلسات ماهیانه داشتیم. می‌آمدند به کارخانه و بسته به بسته پیشرفت پروژه‌ها را کنترل می‌کردند. در یکی از این جلسات نوبت به پروژه پمپ EQ۳۰ رسید. پمپ‌های EQ۳۰ را به درخواست کارفرما قرار شده بود از شرکت روه‌ریمپ آلمان تأمین کنیم. زمانی بود که تحریم‌ها تازه شروع شده بود. شرکت روه‌ریمپ نتوانسته بود برای این پمپ‌ها مجوز بگیرد و برای همین ساخت آنها را هنوز شروع نکرده بود. به کارشناسان توضیح دادیم که آلمان فعلاً تولید این پمپ‌ها را شروع نکرده است. آقای مهندس آذرنگین هم در جلسه بودند. وسط جلسه من گفتم که اجازه بدهید تا ما خودمان آنها را نیز بسازیم. این جسارت برمی‌گشت به شناختی که من از این پمپ‌ها داشتم. من تقریباً در سال ۸۶ یا ۸۵ برای بازدید از شرکت ترمومکانیکا به ایتالیا رفته بودم. در آنجا پمپ‌های بزرگی را دیدم که برای کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌ساختند که جنس‌شان از ورق بود. با ایده‌ای که از آنجا گرفته بودم مطمئن بودم که می‌توانیم این پمپ‌ها را هم به همان روش بسازیم. همان‌طوری که قبلاً هم گفتم آقای مهندس آذرنگین انسان پر دل و جرأت و در عین حال باسوادی است. گفت مگر می‌توانید. من اطمینان دادم که توانایی طراحی و ساخت آنها را داریم. پمپ‌های EQ۳۰ از خانواده پمپ‌های عمودی بودند که خیلی بزرگ بودند نزدیک ۱۲ متر ارتفاع داشتند. مهندس آذرنگین گفتند که صورتجلسه کنید و سه عدد از این پمپ‌ها را تا یک سال به ما تحویل دهید. با وجود تمام مخالفت‌هایی که هم در داخل خود پتکو و هم در میان مهندسان ستاره بود، من تأکید کردم که ما می‌توانیم بسازیم. طبق صورتجلسه قرار شد تا ما ۳ عدد از این پمپ‌ها را در عرض یک سال تحویل دهیم. ساخت این پمپ چالش‌های زیادی داشت. به‌عنوان نمونه تنها برای مدل‌سازی آن ۶ ماه زمان لازم بود. با خلاقیت و نبوغ مهندسان جوان‌مان در عرض دو، سه ماه مدل‌سازی آن تمام شد و پمپ‌ها را زودتر از موعد مقرر فرستادیم برای نصب. یک سال بعد از ما روه‌ریمپ مجوزهایش را گرفت و ساخت آنها را شروع کرد. حالا چند سال



فکر می‌کنم سال ۱۳۸۹ یا ۱۳۸۸ بود که مقدمات قرارداد با پالایشگاه ستاره مطرح شد. از آن زمان تا همین ۳ سال قبل، ما به ستاره خلیج فارس پمپ می‌دادیم. همین الان هم به آنها قطعات یدکی می‌دهیم. تعداد ۴۹۶ پمپ پالایشگاه ستاره خلیج فارس را ما داده‌ایم. این پمپ‌ها از خانواده‌های متفاوتی بودند